



مار لباس ها را گرفت و گفت: ((هفت سال مرا از کرج به اوین کشاندر و هر بار پرسیدم: «چترم کی آزار می شود؟ گفتید: بزودی» حالا بی آنکه نشانی کورش را برهید، تنها لباس هایش را تعویب می دهید! لباس های او را بر آستانه در خانه مان آویزان می کنم تا پارمان ترور شما با ما چه کرد(یرا))!

طرح اصلاح ماده ۷۰ مجازات های اسلامی

پویا

تغییر و تحولاتی که بعد از ۲ خرداد ۱۳۷۶ در جامعه و در دستگاه حکومتی بوجود آمد، بخشهایی از رژیم را بران داشت تا قبل از آنکه نسیم اعتراضات توده ای به گریبادهای حکومت اسلامی تبدیل شود و کلیت نظام را مورد تهدید قرار دهد، چاره کار کنند. از اینرو، با عوامفریبی تلاش کردند انرژی و توان اعتراضی توده ها را در جهت منافع گروهی و کلیت نظام محدود نمایند. شعار "اصلاح گرائی دولتی" و "تغییر قوانین" بر بستر مطالبات مردم سرافراشت. اما به همراه عیبی تر شدن بحران اجتماعی خواسته و مطالبات مردم قدم به قدم فراتر رفت و حکومتگران مجبور شدند به ظاهر هم که شده به "اصلاح" جزئی برخی از قوانین در مجلس اسلامی دست بزنند که قدرت اجرایی نیافته و کوچکترین تاثیری بر روند اداره جامعه و زندگی مردم نداشته است. "گسترش مجازات از مأموران بقیه صفحه ۲

مجلس ارتجاع اسلامی روز ۱۲ دی، به طرح اصلاح قانون مجازات اسلامی رای مثبت داد. به گزارش روزنامه "ایران" ورود مجلس به اصلاح این ماده که به مجازات مأموران ناقص حقوق مردم می پردازد به بحث پیرامون احیای حقوق شهروندی تبدیل شد. در این طرح آمده است: هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم کند علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ظاهراً تنها تغییری که در این ماده اسلامی حاصل شده، مشمولیت این مجازات از مأموران دولتی به مأموران وابسته به نهادها و دستگاه های حکومتی گسترش داده شده و سطح مجازات کاهش یافته است.

" تجربه ای از مقاومت در زندان "

عباس افشم

سالن ۳ آموزشگاه اوین قسمتی از سلختمان جدید زندان است که بنای آن در زمان جمهوری اسلامی به اتمام رسید. این سلختمان مشتمل بر ۶ سالن است، سالنهای ۱، ۳ و ۵ در قسمت شرقی و سالنهای ۲، ۴ و ۶ در قسمت غربی سلختمان قرار دارند. سالنهای ۲ و ۴ به زندانیان تواب و جهادی (۱) تعلق داشت. در سالن ۶ زندانیانی بسر می بردند که تواب نبودند اما در مقابل زندانیان از دیدگاه های خود دفاع نمی کردند و در مقابل این پرسش که آیا گروهت را قبول داری یا نه؟، جواب "نه" می گفتند و یا به سنوآل جمهوری اسلامی را قبول داری یا نه؟ پاسخ "آری" می دادند. آنها با زندانیان علیه زندانیان سرموضعی همکاری نمی کردند. تنها معنولان بند و اتاق های این سالن تواب بودند. زندانیاتی را به سالن ۲ می فرستادند که از مواضع به او در واقع می خواست بقیه صفحه ۲

روز پنجمین ۱۲ دی، روزنامه "قلب یزد" در ستون "روی خط قلب" از قول یکی از خوانندگان نوشت: از حادثه آتش سوزی زندان گرگان و کشته شدن عده ای انسان واقعا متأسفیم. اما طبق آمار و اسامی که عنوان کرده اند ما را به دو نتیجه می رساند. اول اینکه ۲۰ درصد از کشته شدگان زندانیان عمومی بوده اند و ۸۰ درصد باقی زندانیان دانشگاه "قلب" و میامی بوده اند. دوم اینکه زندان نو و آتش سوزی؟! بقیه صفحه ۲

اعزام گزارشگران سازمان ملل به ایران

کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل طی صدور بیقیه ای اعلام کرد که تعدادی از متخصصین این سازمان در بهمن ۱۳۸۱ (فوریه ۲۰۰۳) از ایران دیدار خواهند کرد. به دنبال این گروه، گروه دیگری از طرف این سازمان که در رابطه با ناپدیدشدگان کلر می کنند در لویس فروردین ۱۳۸۲ به ایران خواهند رفت و یک گروه دیگر از متخصصین مبارزه با خشونت علیه زنان در اردیبهشت به ایران می روند. یک گزارشگر ویژه آزادی بیان نیز بعد از این گروه به ایران خواهد رفت. به این صورت حکومت اسلامی در مقابل فشارهای بین المللی که به موجب فعالیت های فشارگرا و اعتراضی ایرانیان چپ و مترقی حاصل شده است، بیگ عقب نشینی دست زده است.

۲۷ زندانی بر اثر آتش سوزی جان باختند

صحرگاه روز دوشنبه ۸ دیماه برابر با ۲۹ دسامبر ۲۷ زندانی در زندان امیرآباد گرگان بر اثر آتش سوزی که هنوز علت واقعی آن بر کسی روشن نیست، جان سپردند و ۵۰ تن دیگر زخمی شدند.

به گفته عیلسطی عرب، رئیس زندانهای گرگان (استان گلستان)، این آتش سوزی به علت اتصال سیم برق در زندان آغاز شد. او سن کشته شدگان را بین ۲۰ تا ۶۹ سال اعلام کرد اما هیچ اشاره ای به اینکه چند تن از کشته و مجروح شدگان زندانی سیاسی بودند نکرد. بعد از تغییر و تحولاتی که در سال ۱۳۶۵ در زندانهای شمال کشور بوجود آمد، زندانیان سیاسی که تا آن زمان در مراکز استتگاهی داری می شدند به زندانهای شهرهای خود منتقل شدند. از اینرو این احتمال وجود دارد که تعدادی زندانی سیاسی در میان مجروحان و کشته شدگان باشند.

روز پنجشنبه ۱۲ دی، روزنامه "قلب یزد" در ستون "روی خط قلب" از قول یکی از خوانندگان نوشت: از حادثه آتش سوزی زندان گرگان و کشته شدن عده ای انسان واقعا متأسفیم. اما طبق آمار و اسامی که عنوان کرده اند ما را به دو نتیجه می رساند. اول اینکه ۲۰ درصد از کشته شدگان زندانیان عمومی بوده اند و ۸۰ درصد باقی زندانیان دانشگاه "قلب" و میامی بوده اند. دوم اینکه زندان نو و آتش سوزی؟! بقیه صفحه ۲

"عمو" بختیار در گذشت

بختیار عبداللهی - "عمو" بختیار، یکی از نمایندگان کارگران بیکار پروژه ای تهران و حومه و از فعالین خانه کارگر در سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ بعد از تحمل یک دوره بیماری طولانی در گذشت.

بقیه صفحه ۲

از همه آنگاه باید در تدارک دادگاه سازمان عظیمی اسلامی به مردم ضایعت علیه بشریت و عامین شکنجه و عذاب و کشتار ده ها هزار دگراندیش سیاسی و فرهنگی، مردم گنجه و فیلیان سستی بر محبایای دیند یک جامعه انسانی بود که در فردای واژگونی رژیم نقطه عطفی باشد برای دادخواهی و احیای عدالت و مبارزه برای شی زندان و شکنجه و عذاب و سرکوبی در ایران.

در صفحات دیگر
تظاهرات ضد جنگ ۲
لوکوموتیو رفان بریتانیا از حمل تسلیحات به مقصد خطی فرانس خودری کردند ۲
اسر قتل شورش زندانیان فلسطینی را سرکوب کرد ۲
حکم اعلام برای یک زندانی سیاسی در مستند ۴
اعتراضات کلگری، زنده بگور، اعلام نوزن در گچساران و ۴

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اسرائیل شورش زندانیان فلسطینی را سرکوب کرد

صدها تن از زندانیان فلسطینی در زندانی واقع در کرانه غربی رودن اردن روز پنجشنبه ۲ ژانویه ۲۰۰۳ دست به شورش زدند. بیش از یک هزار فلسطینی بدون آنکه اتهام آنها مشخص باشد و یا محاکمه شده باشند، در این زندان بسر می برند. در جریان این شورش، زندانیان اسبایی را به سوی نگهبانان پرتاب کردند و سعی داشتند حصارهای اطراف زندان را پاره کنند. اکثریت این زندانیان جوانان زیر ۲۰ سال هستند که در جریان قیام انتفاضه دستگیر شده اند. زندانیان اسبایی این زندان که در نزدیکی رام الله قرار دارد، با گاز اشک آور و نارنجک های بیهوش کننده به زندانیان حمله کرده، تعدادی را زخمی و مجروح کردند و تعدادی نیز در اثر استنشاق گاز اشک آور دچار مشکلات تنفسی شدند.

قانون تازه پناهندگی در بریتانیا

بر اساس قوانین جدید پناهندگی بریتانیا که از روز چهارشنبه ۸ ژانویه ۲۰۰۳ برلین با ۱۸ دی ۱۳۸۱، به اجراء در آمده است، کسانی که قصد پناهندگی دارند، باید در بدو ورود به این به این کشور و یا در اولین فرصت ممکن درخواست پناهندگی خود را ارائه دهند و گرنه با خطر اخراج مواجه خواهند بود. این قوانین با هدف کاهش تعداد پناهجویان اقتصادی تصویب شده است. این افراد مدت ها در بریتانیا کار و زندگی می کنند و سپس درخواست پناهندگی می دهند. این قانون محدودیتهایی برای اعطای تسهیلات به پناهجویان جدیدی به وجود می آورد.

لوکوموتیو رانان بریتانیا از حمل تسلیحات

به مقصد خلیج فارس خودداری کردند

روز پنجشنبه ۹ ژانویه، لوکوموتیو رانان (رانندگان قطار) در بریتانیا از حمل تسلیحات برای نیروهای ارتش این کشور در خلیج فارس خودداری کردند. مدیر عامل راه آهن سراسری بریتانیا بعد از آنکه این اقدام لوکوموتیو رانان و خدمه قطارها را "مخالفت وجدان های بیدار علیه جنگ" نامید، قرار داد راه آهن با وزارت دفاع بریتانیا برای حمل تسلیحات به مقصد خلیج فارس را لغو کرد. وی گفت که لوکوموتیو رانان مخالف حمله "بلر" به عراق هستند.

شورش ضد جنگ لوکوموتیو رانان، نخستین اقدام اعتراضی کارگران راه آهن بریتانیا علیه جنگ در چند دهه اخیر است. آنان از انتقال ابزار جنگی ارتش بریتانیا به بزرگترین قنبر اسلحه ناتو که در ساحل غربی اسکاتلند قرار دارد خودداری کردند.

"عمو" بختیار

در اواخر ۱۳۵۸ که خننه کارگر توسط عوامل رژیم تسخیر و به لانه جاسوسی و سیاست گذاری علیه طبقه کارگر تبدیل شد، "عمو" بختیار مانند صدها کارگر مبارز فعال از آن مجموعه دور شد و در مجامع مستقل کارگری و چپ به فعالیت های خود ادامه داد. "عمو" بختیار به هنگام مرگ ۷۰ سال داشت.

کار آمدن حکومت اسلامی در ایران شد دنبال می کند. بلب نی نماینده گنجره آمریکا از دولت "بوش" خواسته است با حمایت از جنبش های آزادی خواهانه مردم ایران به تغییر و تحولات بنیادی در ایران کمک کند. طبیعتاً این سیاست تا زمانی از طرف آمریکایی ها پیگیری خواهد شد که آنها امکان به انحراف کشاندن مبارزات مردم را داشته باشند و قدرت به طور مسالمت آمیز از دارو مسته حاکم به بخش دیگری از نمایندگان بورژوازی منتقل و اساس اقتدار بورژوازی نظیر دستگاه دولت و نیروهای سرکوب و مسلح آن دست نخورده حفظ شود.

آمریکایی ها در مورد ایران دو سیاست موازی را دنبال می کنند و از اینر توم با تلاش برای کنترل جنبش های اجتماعی به تنش های قومی نیز دامن می زنند. نوم چامسکی، اندیشمند برجسته چپ و استاد دانشگاه آمریکا، اخیراً در گفتگو با یک سایت اینترنتی عنوان کرد که آمریکا از سالها پیش به برکنار کردن جدایی طلبان آفری در ایران مبادرت ورزیده است.

تظاهرات ضد جنگ

بندبالی فعالیت های گسترده نیروهای ضد جنگ در آمریکا، طیف های گسترده تری از مردم این کشور به مخالفت با جنگ و حمله آمریکا به عراق برخاسته و به جنبش ضد جنگ پیوسته اند. در ادامه این تلاش ها، قرار است روز ۱۸ ژانویه، دوازدهمین سالروز "جنگ خلیج"، در پیش از صد و پنجاه شهر آمریکا تظاهرات ضد جنگ برگزار شود که در نوع خود گسترده ترین اعتراض به جنگ بعد از جنگ ویتنام است.

مجموعه ای از گروه های چپ و اجتماعی ضد جنگ و فعالان ضد جنگ دوران جنگ ویتنام در سازماندهی این حرکت سهیم هستند و به همین منظور ائتلاف وسیعی تحت عنوان "اتحاد برای صلح" صورت گرفته است. مرکز این حرکت در شمال کالیفرنیا است و از طریق شبکه های ارتباطی که "اتحاد برای صلح" در سراسر آمریکا برقرار کرده است، قرار است میلیونها نفر در تظاهرات سراسری روز ۱۸ ژانویه شرکت کنند.

نقش سازمانهای زنان در بسیج زنان در آمریکا از همه چشم گیرتر است.



"کد پینک" فعال ترین سازمان جنبش زنان برای صلح طی انتشار بیاتیه ای از زنان در سراسر جهان خواسته است به جنبش ضد جنگ بپیوندد. در بخشی از این بیاتیه آمده است: "ما از مدران، مادر بزرگ ها، خواهران، دختران، کارگران زن، دانشجویان زن، معلمان زن، هنرمندان زن، شعرا و نویسندگان زن و همه زنانی که خواهان صلح هستند، می خواهیم به مخالفت با جنگ برخیزند." در بخش دیگری از این بیاتیه آمده است: "ما زنان همواره از زندگی حراست کرده ام. نه به این دلیل که ما از مردان بهتر هستیم، بقیه در صفحه ۳

طرح اصلاح ماده ...
دولتی به نهادها و دستگاه های حکومتی" در چارچوب حکومتی که اصل بر مجرم بودن "شهروندان" است و نه بر افت آنان، اصل بر تحقیر انسان، بی حقوقی و هتک حرمت او است چه معنی می تواند داشته باشد؟ این حربه ها دیگر در میان مردم خریداری ندارد. شیرازه جامعه از هم پاشیده و بحران تمام وجود رژیم را در بر گرفته است. مسئله مهم این است که بحران به مرحله ای رسیده که حکومت اسلامی قادر به حل آنها نیست. اوضاع جامعه و حکومت بحرانی تر از آن است که بتوان آن را با حک و اصلاح این یا آن ماده قانونی و یا دستگیری این و یا آن مامور دولتی حل کرد. مگر محرمضا شاه این کارها را نکرد. مگر بالاترین مقامات دولتی را دستگیر و زندانی نکرد. مگر نمایندگان مجلس شاهی شعار اصلاحات، آشتی ملی و رفراندوم ندانند و از شاه نخواستند تا دیر نشده قدرت را با سایر جناح های بورژوازی تقسیم کند؟ اما چه شد!

بورژوازی برای حفظ سیطره خود بر جامعه ایرانی ندارد که تجارب گذشته را بکار گیرد. از همین روست که با پیدایش بحران و بروز نارضایتی مردم ایران به طرح شعار اصلاحات پرداخت و امروز با تصویق و گسترش آن شعار رفراندوم می دهد تا به این وسیله از فرارونی مبارزه به یک انقلاب جلوگیری نمایند. امروز سرمایه داری برای حفظ دستگاه دولت و بوروکراتیک نظامی و دستگاه سرکوب بورژوازی در ایران دو سیاست کاملاً متفاوت را به حسب منافع خود در ایران دنبال می کند. خلویر سولانا، وزیر خارجه پیشین آمریکا و دبیرکل سابق ناتو که اینک ریاست دیپلماسی اتحادیه اروپا را به عهده دارد اختلاف میان اروپا و آمریکا در بزه مسائل بین المللی را این چنین تبیین می کند: "... برای ما اروپایی ها که نگاهی سکولار به جهان داریم همساز با نگاه و بینش آمریکایی ها و سیاه و سفید دیدن جهان کار آسانی نیست." او شکاف فزاینده میان اروپا و آمریکا را یک شانس و موقعیت خوب برای اروپایی ها می داند که به تقویت موقعیت خود در عرصه بین المللی بپردازند. اتحادیه اروپا به پیروی از چنین سیاستی برای دستیابی به موقعیت برتر در ایران سیاست "گفتگوی تفکدی" با رژیم را دنبال می کند و از این نظر به "اصلاح طبن" حکومتی و لپوزیسیون قانونی رژیم نظیر نهضت آزادی تکیه دارد و برای مهار بحران اقتصادی قراردادهای چند میلیاردی با حکومت اسلامی منعقد می کند. آنها ترجیح می دهند حکومت اسلامی با تعدیل در سیاست خارجی خود و رعایت برخی مسائل در زمینه حقوق بشر باقی بماند زیرا دست زدن به ترکیب رژیم را مفید مصالح خود و سرمایه جهانی نمی دانند. اما از نظر دولت آمریکا گفتگو با مجموعه جمهوری اسلامی از دستور کار خارج شده است. این نظر اکنون در آمریکا قوی است که هم خاتمی می رود و هم جناح مخالف او یعنی جمهوری اسلامی خواهد رفت. به همین دلیل برنلمه وسیع و مخربی برای منطقه و ایران دارند که با استقرار ارتش آمریکا در افغانستان روند آن آغاز شده و با استقرار آن در عراق و کنترل منابع نفتی این کشور دنبال خواهد شد. آمریکا برای تغییر رژیم در ایران و تحمیل یک حکومت دست نشانده به مردم سیاست کنترل قیام مردم و شورشهای اجتماعی علیه رژیم را که آخرین بار در سال ۱۳۵۷ موجب روی

که زندانی های ضد انقلاب از رفعت جمهوری اسلامی سوء استفاده کرده و در زندان تشکیلات بوجود آورده اند و شروع به کلاس سازی کرده اند. نتیجه گرفته بود که اینان بجای این اقدامان باید از جمهوری اسلامی ممنون باشند که تا بحال زنده مانده اند.

پانویس

۱- جهادی به زندانیاتی گفته می شد که در کارگاه های زندان اوین و یا در قسمتهای دیگر زندان به بیگاری مشغول بودند و به اصطلاح می خواستند با خدمت کردن به اسلام و حکومت اسلامی "گناهان" خود را سبکتر کنند.

۲- ملی کش به زندانیاتی گفته می شود که دوران زندان آنها سپری شده است اما بطت عدم قبول شرایط زندانبان برای آزادی، نظیر انجام مصاحبه، نوشتن انزجار و تعهد هم چنان در زندان نگاه داشته می شوند.

۳- دسترسی به دفتر و ظم و کتاب و بوجود آمدن امکان برای زندانیاتی که می خواستند در امتحانات دبیرستان و دانشگاه شرکت کنند.

تظاهرات ضد...

به این خاطر چون مردان خود را درگیر جنگ می کنند. به خاطر مسئولیت مان به نسل های بعدی. بخاطر عشق مان به خانواده و جامعه ما. عشق يك ملار عراقی به کودکش و حق این کودکان به داشتن زندگی را درک می کنیم.

دولت مردان به ما می گویند میلیاردها دلار هزینه جنگ می شود. این در حالی است که سالخوردهگان در ایالات متحده آمریکا که سالهای عمر خود را بسختی کار کرده اند، مجبورند میان خرید دارو و غذا یکی را انتخاب کنند. بسیاری از زنان و کودکان ما در قعر بسر می برند و آبی که می نوشند و هوایی که استنشاق می کنند سرشار از آلودگی است.

امروز در عراق، کودکان سرطانی به دلیل تحریم اقتصادی، به دارو برای تخفیف دردهایشان دسترسی ندارند. اسهال کشنده اصلی کودکان در عراق است. پانصد هزار کودک عراقی بر اثر کمبود امکانات پزشکی، مواد غذایی و آب جان خود را از دست داده اند. وجدان ما به ما اجازه نمی دهد در مقابل این همه فاجع سکوت کنیم."

جنبش مبارزین لوترکینگ، مردم آمریکا را به ناقرماتی مدنی و اعتراض به جنگ دعوت کرده است.

حکم اعدام برای يك فعال سیاسی در سنندج

در آخرین لحظاتی که خبرنامه آماده چاپ بود، خبر رسید که شبح اول دادگاه "انقلاب اسلامی" سنندج يك جوان نوزده ساله بنام "مسلمان آل کنعان را" به اتهام همکاری با کومه له به اعدام محکوم کرده است.

همزمان اعلام شد دو فعال سیاسی دیگر در زندان سنندج، بنامهای "عنان قلاری" و عثمان مرادی"، هر يك به ده سال زندان و تبعید به میناب و خرم آباد به محکوم شده اند. کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید)، بعد از دریافت خبر بلافاصله به اقدامات جهاتی برای نجات جان مسلمان دست زد.

ملاقات با رئیس زندان شدیم. بعد از دو هفته، پاسدارها به مسئول بند اعلام کردند که میثم در حسینه زندان منتظر ما است. همه برای صحبت با او به حسینه رفتیم. در آنجا متوجه شدیم به ما دروغ گفته اند. آخوندی به نام ناصری که نماینده منتظری در امور زندانها بود می خواست سخنرانی کند و به همین دلیل ما را به حسینه برده بودند. ما زندانیان سالن ۳ اعلام کردیم که حاضر نیستیم به سخنرانی او گوش کنیم زیرا ما را برای صحبت کردن با میثم به حسینه آورده اند. ما خواسته ایم میثم به حسینه بیاید و به سنوالات و خواستههایمان جواب دهد، در غیر اینصورت می خواهیم به بند برگردیم. تمامی زندانیان اوین، توب و غیر توب آنجا بودند و شاهد این که چگونه زندانی از حق خود دفاع می کند. زندانبانان در منگنه قفل گرفته بودند. حاج عباس پشت بلندگو رفت و اعلام کرد هرکس نمی خواهد به سخنرانی گوش کند می تواند به بند خود برگردد. تمامی بچه های سالن ۳ و بخشی از بچه های سالن ۶ حسینه را ترک کردند. بعد از این واقعه، برخی از زندانیان سرشناس که در زمان شاه هم زندانی بودند برای بازجویی به اطلاعات برده شدند. مدتی بعد، تمامی زندانیان سالن ۳ را برای بازجویی فرا خواندند. در جریان بازجوییها همه زندانی ها طبرغم ضرب و شتم از مواضع خود دفاع کردند. بعدها بچه ها تصمیم گرفتند به برگاهای بازجویی به طت تقیض عقاید جواب ندهند. به همین دلیل در صفحه اول بازجویی خود را معرفی می کردند و در ادامه می نوشتند: "به علت تقیض عقیده به سنوالات جواب نمی دهیم". بعضی ها بعد از نوشتن این جمله در مقابل سنوال "جمهوری اسلامی را قبول داری؟" و یا "مسلمان هستی"، می نوشتند: "جمهوری اسلامی را قبول ندارم" و "مسلمان نیستم" و در مقابل مذهب می نوشتند، مارکسیست.

مطالبات و خواستههای ما در این دوره به تدریج سیاسی شد و طی نامه ای به ریاست شورای عالی قضاتی، منتظری و سازمان عضو بیین الملل به دستگیریها، شکنجه و ضرب و شتم در موقع دستگیری و بازجویی اعتراض کردیم و خواهان غنی بودن دلگناه ها و حق برخورداری متهم از وکیل و دفاع از خود شدیم. به اعلامها و تقیض عقاید در زندان و بیرون از زندان اعتراض کردیم و خواستار آزادی همه ملی کش ها شدیم که به بیته های مختلف در زندان نگاه داری می شدند. چون اطمینان داشتیم این نامه از زندان بیرون نخواهد رفت، متن تهیه شده را در اباس بچه های کوچولو که به دیدن پدر ها می آمدند جاسازی کردیم و به خانواده ها رساندیم. به این ترتیب کمیته ای از طرف خانواده ها برای پیگیری این نامه تشکیل شد. همزمان با بیرون رفتن نامه، مهاجراتی وزیر پیشین ارشاد در دولت ختمی و یکی از اعضای مهم به اصطلاح اصلاح طلبان حکومتی که در آن زمان معاون پارلمانی نخست وزیر موسوی بود، برای رسیدگی به مسائل زندان به سالن ۳ آمد. می خواست با تک تک زندانی ها صحبت کند. اما ما اعلام کردیم خواسته های فردی نداریم و خواسته های جمعی ما توسط نماینده بند به او گفته خواهد شد. مهاجراتی صحبت با نماینده جمع را نپذیرفت. اما زندانی ها در دو یا سه اتاق که مجاهدین در آن اکثریت داشتند با او صحبت کردند. پس از چند روز، او در روزنامه اطلاعات در صفحه "سخن هفته" بی آنکه به دیدار خود از زندان اشاره کند نوشت که

"تجربه از مقاومت..."

بند را کنترل و زیر نظر داشته باشند. نخستین روزی که در اتاق ها باز شد و سالن عمومی شد، صدای قهقهه و شادی فضا را فرا گرفت و همه، دوستان قدیمی، آشنایان ناآشنا، آنها که از راه مورش و از زیر چشم بندها یکدیگر را شناخته بودند، همدیگر را در آغوش گرفتند. خاطره آن روز را بچه هایی که زنده ماندند هرگز فراموش نخواهند کرد.

معزز را به اتاق ۶۲ فرستادند. زندانیان این اتاق به اعتراض او را از اتاق بیرون کردند. براساس تصمیم جمعی در بند، به زندانبانان اطلاع دادیم که مسئول قضایی آنها را نمی پذیریم و خواستیم که او را از بند ببرند. در عین حال در نشتی که برای اولین بار در بند داشتیم، یکی را از میان خود بعنوان مسئول بند انتخاب کردیم و او خود را به زندانبانان معرفی کرد. بعد از کشمکش های زیاد میان زندانیان و زندانبانان، در نهایت زندانبانان مجبور شدند مسئول انتخابی را بپذیرند. برای مقاومت در مقابل زندانبانان، وقتی پاسدارها از بلندگو زندانی را برای کلاری صدا می زدند و یا "معزز" دنبال او می آمد، به آنها جواب داده نمی شد. این کار در سیستم اداری زندان و دادگاه ایجاد اختلال می کرد. زندانبان ها در برابر به ضرب و شتم زندانیان دست می زدند. اما در آخر پذیرفتند که اداره بند توسط خود ما انجام گیرد و نگهبانان بدون اطلاع قبلی وارد بند نشوند. می خواستند "معزز" را که بدون جا مانده بود و در کنار دستشویی زندگی می کرد به اتاق دیگری منتقل کنند. اما از آنجا که کار او جاسوسی و تهیه گزارش از وضع بند و زندانیان بود، زندانی ها از ورود او به اتاق ممانعت کردند. نتیجه این مقاومت بدون جا ماندن معزز و بسته شدن در اتاق بود. روزی که پاسدارها برای گرفتن امار زندانیان به بند آماده بودند، عده ای زندانی جلوی در تجمع کردند و مانع ورود آنها به بند شدند. عده ای دیگر هم با استفاده از این فرصت معزز را به بیرون بند فرستادند.

برای اولین بار بعد از چند سال که در اتاق ها باز شد نصف روز هولخوری داشتیم و می توانستیم به نرمش و ورزش بپردازیم.

این وضع تا بسته شدن مجدد درها و جداسازی زندانیان از هم ادامه داشت. زندانبانان در مورد ورزش جمعی حساسیت زیادی داشتند و در این باره سختگیری می کردند، بویژه در گهرنشت، زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار می دادند. با باز شدن درها، خواسته های صنفی و سیاسی خود را با زندانبانان مطرح کردیم. در ابتدا خواست های ما به گرفتن امکانات بهداشتی، پزشکی، آموزشی (۲) و غنی بودن دلگناه و استفاده از وکیل در جریان دادرسی محدود بود.

بعد از مدتی حاج عباس مسئول بندهای سه گفته به بند ما آمد و به یکی از اتاق ها رفت که با زندانبانان آن صحبت کند. آنها به او گفتند ما با شما حرفی نداریم، نماینده بند از طرف ما با شما صحبت می کند. حاج عباس در جواب به آنها گفته بود "من که قزوینی نیستم که پشت تن را به من می کنید". همان روز به درخواست بچه های آن اتاق جلسه ای در بند تشکیل شد. تصمیم گرفتیم حاج عباس را بخاطر توهینی که کرده بود تحریم کنیم و خواستار

دو زن جوان در گچساران به دار آویخته شدند

بنا به گزارش روزنامه "اعتماد"، ساعت ۷ صبح روز ۱۱ دیماه، دو زن به نامهای "زهرا باغ شیرین" و "فرحناز یولی" به جرم قتل مردی بنام "کریم مختاری"، کارمند سازمان برق در زندان گچساران به دار آویخته شدند. آنان متهم بودند که با همسستی "شهلا شفق" همسر مقتول او را به قتل رسانده بودند. علت این قتل اختلاف شدید خانوادگی ذکر شده است. "شهلا شفق" با هماهنگی ۳ تن از دوستان خود به نامهای "زهرا باغ شیرین"، "فرحناز یولی" و "پروانه محمدی" طرح و اجرای قتل شوهرش را به اجرا در آوردند. "شهلا شفق" به ۳ سال و "پروانه محمدی" به ۱۵ سال زندان محکوم شدند.

سه نفر در اهر به دار آویخته شدند

بنا به گزارش روزنامه کیهان رژیم، سه نفر به نامهای "کلیظ محمدی"، فرزند اسماعیل، "رضا همراهی"، فرزند رحیم و "محمود گوزلی ریحانی"، فرزند حسین با حکم شعبه سوم دادگاه "انقلاب" اسلامی تبریز، به جرم سرعت مسلحانه و قتل ۴ نفر، روز چهارشنبه ۱۱ دیماه در جلوی فرستادگی شهر اهر در ملاء علم به دار آویخته شدند. روزنامه قس چاپ ۱۴ دی از حکم اعدام برای دو جوان بنامهای "مهی" و "اکبر" بعد از تحمل پنج سال زندان خبر داد. این دو جوان در شاهرود در انتظار عمومی به دار آویخته شدند. اتهام آنان سرعت مسلحانه ذکر شده است.

حکم اعدام برای یک مادر و فرزند ۱۶ ساله اش

روزنامه مدبر، چاپ ۱۷ دی نوشت یک ملار و پسر ۱۶ ساله او قرار است به جرم قتل مردی با استفاده از قرص خواب آور بزودی به دار آویخته شوند. روزنامه "بهار" چاپ ۱۴ دی نوشت که یک زندانی بنام محمد ب معروف به محمد فرانکی، به اتهام سرعت مسلحانه از شش بانگ در لوایل سال ۱۳۸۰، ایجاد رعب و وحشت در جامعه و شلیک به یک نامه رسان در شرق تهران، به اعدام محکوم شده و بزودی حلق آویز خواهد شد.

حکم اعدام بر مبنای

شهادت ۵۰ عضو یک خانواده روزنامه "بهار"، چاپ ۱۶ دی از صدور حکم اعدام برای یک جوان بنام حسین خبر داد. وی که از ۶ سال پیش در زندان بسر می برد متهم است که ۱۱ سال پیش در جریان یک مسابقه فوتبال نوستی علی را به قتل رسانده است. او در تمام مراحل بازجویی و محاکمه این اتهام را رد کرده است و بر بی گناهی خود اصرار می ورزد اما قاضی با احضار ۵۰ تن از خانواده مقتول به دادگاه از آنان خواست که سوگند یاد کنند که حسین علی را به قتل رسانده است و تنها بر مبنای این سوگند توسط کسانی که شاهد قتل نبوده اند، حکم اعدام این زندانی صادر شده است.

از کمک های مالی تان متشکریم
سوند- لیبسون ۱۵۰ کرون، فگلستان- نینا ۴۰۰ پوند، فرخ ۲۰۰ پوند، حسن ۱۰۰ پوند، فریرز ۱۰۰ پوند، سهیل ۵۰ پوند.

اعتراضات کارگری

۱۰۰ تن از کارگران شرکت لوله سازی اهواز در ادامه اعتراضات چند ماهه خود روز سه شنبه ۱۰ دیماه در چهارراه سلمان فارسی اهواز دست به راه پیمانی زدند و با سردادن شعارهایی خواهان پرداخت حقوق معوقه خود شدند. با شروع راه پیمانی کارگران لوله سازی اهواز، بلافاصله نیروهای سرکوبگر رژیم در محل حاضر و با سه دستگاه توبوس اقدام به جمع ثوری آنها کردند. کارگران شرکت صنایع فرولیژ شهرستان ازنا واقع در لرستان در اعتراض به عدم توجه مسئولان کارخانه نسبت به خواسته های کارگران در فروش کارخانه، روز ۱۵ دیماه، در محل این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران در این گردهمایی عنوان کردند حال که کارخانه به بخش خصوصی واگذار می گردد، اجرای طرح توسعه کارخانه باید در قرارداد ذکر شود و کارخانه در هر شرایطی به کار خود ادامه دهد.

قطع انگشتان دست در کرمان

روزنامه کیهان رژیم، روز چهارشنبه ۱۸ دی برابر با ۸ ژانویه، به نقل از روابط عمومی دادگستری استان کرمان نوشت: انگشتان دست راست دو نفر به نامهای "عبدالقهارغ" و "محمدرضا-ح" بعد از تأیید دیوان عالی کشور در زندان کرمان قطع گردید. این دو متهم به ۲۰ قهره دزدی بودند. دادگستری کرمان مدعی شده که مال باختگان که خقه هایشان مورد سرعت قرار گرفته درخواست کرده بودند مجازات قطع انگشت که یکی از مجازات های قرون وسطانی اسلامی است در مورد متهمان به اجرا در آید.

در همین حال بر اساس اخبار منتشره، چهار جوان به نامهای رضا نظریت، ۲۲ ساله، محمد صفوی، ۲۲ ساله، مهدی بویری، ۲۲ ساله و حسین امیری، ۲۲ ساله در شیراز به قطع دست راست و پای چپ محکوم شده اند. غو بین الملل طی صدور بیانیه ای به این احکام ضدبشری اعتراض کرده است.

زنده به گور

"امان الله قرایی مقدم" آسیب شناس اجتماعی و استاد دانشگاه در باره آسیب پذیری دختران، در روزنامه "انتخاب" چاپ ۱۸ دی نوشت: وادار کردن فرزندان و بویژه دختران به انجام کار خالصی بخصوص ازدواج یا جلوگیری از رسیدن به خواسته هایشان از سوی پدر و ملار مصلی است که جامعه ما با آن دست به گریبان است. در تحقیقاتی که صورت گرفته، مشخص شده غالب خودسوزیها و فرار دختران بویژه در ایلام، کرمانشاه و همدان بخاطر ازدواج اجباری بوده است. در بررسی هایی که در پارک دانشجو، بسیج و پارک شهر در تهران انجام داده ایم روشن شده است که بیشتر دختران از ترس ازدواج ناخواسته از خقه های خود گریخته اند. این گونه رفتار والدین ریشه در سنتها دارد و تعیین تکلیف برای نوجوانان و جوانان بویژه دختران، رسمی نادرست است که از زمان های دور تا به حال باقی مانده است. او در جای دیگری می افزاید: اگر خواهان جامعه ای سالم هستیم باید به این گونه آداب و رسوم سنتی که ریشه در پدربزرگاری دارد، از طریق آموزش دادن به والدین پایان دهیم تا خانواده ها از این افکار پوچ خود که می پندارند پدر صاحب اختیار مطلق فرزند و بویژه دختر است دست بردارند. این نوع تفکر نتیجه ای جز نابسامانی و افزایش فساد و فحشا ندارد و در واقع خانواده با وادار کردن دختران به ازدواج و یا کارهای دیگر، آنان را "زنده به گور" می کنند.

آدرس های تماس با کانون

زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

AIPP in exile
P.O.Box 786
St Marys 2760
N.S.W Australia

AIPP in exile
P.O.Box 35662
A.B.Q.NM 87176-5662
U.S.A

AIPP in exile
P.O.Box 95
123 22 Farsta
Sweden

AIPP in exile
Postbus 14559
1001 LB Amsterdam
Holland

AIPP en exile
Postfach 101520
50455 Köln
Germany

تلفن های تماس با کانون

امور بین الملل 46-70-797 38 08
امور پناهنگی 46-70-402 55 31
واحد سوند 46-70-699 83 73
واحد استرالیا 61-2-96231 924
واحد هلند 31-6-54315097
واحد آلمان 49-174-5823006
واحد امریکا 1-505-688 15 03

فکس های کانون

46-8-605 2669
61-2-96231 924
1-505-897 1666

پست الکترونیکی

aipp@kanoon-zendanian.org

صفحه اینترنت

www.kanoon-zendanian.org

کمک های مالی خود را به شماره

حساب پستی:

Postgiro: 647039-7

واریز و فیش بانکی را با کد مورد

نظر به یکی از آدرس های کانون

پست نمایید.

khabarnameh

The news letter of Association of
Iranian Political Prisoners (in Exile)